

لایحه رسیدگی به تخلفات اداری

تدبیر رژیم در مقابله با رشد جنبش اعتراضی در ادارات

بلکه تمهیدی سراسیمه از سوی رژیم است برای رویارویی با نودهای بحران تعمیق یابنده ای که تمامی عرصه های اجتماعی و اقتصادی کشور را در خود فرو برده است.

مطالعه دقیق "لایحه رسیدگی به تخلفات اداری" فاش می کند که هدف اساسی آن، ایجاد محدودیت های گسترده در پیش روی بیش از دو میلیون کارمندان دولت در بیان خواست های خود و بهره گیری از حقوق مدنی در استفاده از حربه اعتصاب، تحمض و کم کاری می باشد، که حتی طبق قانون کار مصوبه رژیم حق قانونی آن هاست. ماده ۸ این لایحه با ۲۸ مورد تخلفات اداری را

بقیه در ص ۷

در واپسین روزهای مهرماه جاری و هفته اول آبان ماه مجلس شورای اسلامی با سرعت ویژه ای "لایحه رسیدگی به تخلفات اداری" را که تدارک آن در کمیسیون امور اداری مجلس دیده شده بود، به تصویب رساند.

آنچه که طرح و تصویب عجولانه چنین مقررات سخت و خشنی را بعد از گذشت قریب ۱۵ سال از حیات جمهوری اسلامی، برای رژیم حیاتی و ضروری نموده است، نه آن طور که رژیم و سخنگویان تبلیغاتی آن عنوان کردند "اصلاح دستگاه اداری کشور و ضرورت برخورد با ناپسامانی ها و فساد فراگیر سیستم اداری بوده



شماره ۴۱۵ ، دوره هشتم
سال دهم ، ۲ آذر ماه ۱۳۷۲

تزار، دموکراسی و انتخابات در روسیه

بدنبال کودتای خونین ماه گذشته در روسیه و انحلال پارلمان، بوریس یلتسین درصدد تثبیت کنترل انحصاری خود بر تمامی ارکان قدرت در کشور می باشد. او با استقرار یک حکومت فردی، کوشش دارد که با استفاده از موقعیت منحصر بفرد خود و در غیاب کنترل هرگونه ارکان قانونی ای در قبال عملکردهای خود، هم قانون اساسی دخواستش را به مردم تحمیل کند و هم با انجام یک انتخابات پارلمانی کنترل شده، قوه مقننه دست آموزی را در "پارلمان" های جدید جای دهد که قدرت و امکان ایراد گیری از اقدامات و سیاست های او را نداشته باشد. در ۴ هفته گذشته سانسور شدید مطبوعات مستقل، بستن روزنامه های مخالف، جلوگیری از فعالیت احزاب قدرتمند اپوزیسیون و تشکل های توده ای نظیر اتحادیه های کارگری رسماً به سیاست دولت روسیه تبدیل شده است.

از ۳۰ شهریور که یلتسین پارلمان را منحل نمود تاکنون بیش از ۳۰۰ فرمان صادر کرده است که مسایل با اهمیتی از قبیل افزایش قیمت نفت، بدست گیری کنترل صندوق های تامین اجتماعی که توسط اتحادیه های کارگری تاسیس و اداره می شده است و

ادامه در ص ۳

چهل سالگی يك شعار به مناسبت روز ۱۶ آذر روز دانشجو

روز ۱۶ آذر ، روز خروش طوفانی ، روز درهم آمیخته شدن اندیشه های متفاوت ، روز شهادت الهام بخش سه دانشجوی قهرمان و مبارز، روز شعار "اتحاد ، مبارزه ، پیروزی !" است .

روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ ، در هوای خفقان آور پس از کودتای ضد مردمی ۲۸ مرداد ، سه دانشجوی مبارزه دانشگاه تهران ، مصطفی بزرگ نیا ، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران ، مهدی شریعت رضوی ، عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی ، هوادار دکتر مصدق ، در اعتراض به ورود نیکسون ، معاون ریاست جمهوری آمریکا ، با شعار "مرگ بر شاه مزدور" به صحن دانشگاه ریختند و کلوله های دژخیمان رژیم را دلاورانه استقبال کردند .

از آن سال به بعد ، روز ۱۶ آذر ، در جنبش دانشجویی کشور، به روز دانشجو، روز تجدید عهد با شهدای جنبش دانشجویی ، روز شعار "اتحاد ، مبارزه ، پیروزی !" تبدیل شد. جنبش

ادامه در ص ۲

در صفحات دیگر
افزایش سرسام آور بهای نوشت افزار و مشکلات زحمتکشان در ص ۶
رویدادهای ایران و جهان در ص ۴، ۵
خط خونین (شعر) در ص ۲

امنیت و قانون در جمهوری اسلامی

دروغ های بزرگ از ویژگی های بارز سران رژیم جمهوری اسلامی است. بر اساس مدعیات حاکمان کنونی، ایران "آزاد ترین" کشور دنیاست. زنان در کشور ما صاحب "بیشترین حقوق" در مقایسه با زنان سایر کشور ها هستند ، و "پیشرفت های معجزه آسای" اقتصادی ایران تعجب همه جهانیان را برانگیخته است.

به لیست این ادعاهای کوبلزی باید این ادعای رئیس جمهور رژیم را که اعلام کرد "امنیت موجود در ایران با هیچ کشوری قابل مقایسه نیست" نیز افزود. مسئله امنیت فردی ، اجتماعی و قانونیت از موضوعات بسیار مهم سال های اخیر در کشور ما بوده است. در طول بیش از چهارده سال حکومت جمهوری اسلامی به جرئت می توان گفت که ایران ناامن ترین و بی قانون ترین دوره های تاریخ معاصر خود را پشت سر گذاشته است. برای اثبات این مدعا تنها کافی است اشاره ای کوتاه به عملکرد جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف بنمائیم. به عنوان نمونه در حالیکه بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی های فردی و اجتماعی از جمله آزادی احزاب ، جمعیت ها و سازمان ها حق شهروندان کشور است و آزار ، اذیت و شکنجه دگراندیشان بشدت منع گردیده است، رژیم در سال های گذشته ده ها هزار نفر را دستگیر ، شکنجه و

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی ، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !

امنیت و قانون در جمهوری ...

اعدام کرده است. بر خلاف کلیه قوانین جمهوری اسلامی، هیچکدام از دستگیر شدگان از حق داشتن وکیل مدافع و دفاع از خود بهره مند نبوده اند و حتی احکام زندان بخش عمده ای از زندانیان که در دادگاه های انقلاب اسلامی صادر شده بود، بعدها بدستور خمینی بدون کوچکترین مجوز قانونی باطل و هزاران انسان میهن دوست در بزرگترین کشتار سیاسی تاریخ معاصر کشور ما به جوخه های مرگ سپرده شدند. در کشوری که جوانان را از خانه، خیابان، مدرسه و دانشگاه شکار می کنند به شکنجه گاه می برند و شبانه اعدام می کنند، و بالاخره در کشوری که حتی مسلمانان طرفدار نظام، سردبیر روزنامه رسمی و مجاز کشور در روز روشن، در حضور زن و بچه اش، بدون اعلام اتهامی مشخص ریخته می شود و تا به امروز پس از گذشت نزدیک به سه ماه از دستگیری هیچکس کوچکترین اطلاعی از وضعیت او ندارد، سخن از امنیت شوخی مسمن کننده ای بیش نمی تواند باشد.

تنها کافی است روزنامه های مجاز کشور را ورق زد و مشاهده کرد که در جمهوری اسلامی تنها، سران جنایتکار رژیم از امنیت کامل برخوردار هستند، آنهم امنیت برای چاپیدن و غارت منابع ملی کشورمان. سخنانی که در هفته های اخیر پیرامون "امنیت"، و "امن کردن شهرهای کشور" و اجرای "حکومت قانون" در موقعیت های مختلف بیان شده است، بیش از آنکه محتوای واقعی اجرای قانون و امنیت در کشور را داشته باشد، نشانگر نگرانی شدید رژیم از اوج گیری ناراضی توده های جان به لب رسیده است. فرمانده نیروهای انتظامی کشور، در مصاحبه اخیر خود خواهان گسترش نیروهای انتظامی تا میزان ۳۰۰,۰۰۰ نفر شد. رفسنجانی نیز در همان سخنان خود پرده از روی نگرانی های سران رژیم برداشت و گفت: "دشمنان درصدد هستند امنیت و آسایش حاکم بر کشور را به انحاء مختلف... مخدوش کنند..." (روزنامه سلام ۱۰ آبان ۱۳۷۲).

"دشمنانی" که هاشمی رفسنجانی به آنها اشاره می کند، کسانی جز توده های میلیونی خلق که از اوضاع طاقت فرسای کنونی به جان آمده اند، نیستند. تلاش رژیم در راه ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی با تشدید جو اختناق و سرکوب و حاکم کردن نیروهای سرکوبگر بر حیات جامعه، تلاش عبثی است که بی شک دیر یا زود با شکست قطعی روبرو خواهد شد. همانقدر که ارتش نیم میلیونی شاه توانست جلوی سرنگونی رژیم استبداد سلطنتی را سد کند، نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی نیز خواهند توانست سیل خروشان توده های زجر دیده و محروم را سد کنند.

رشد ناراضی توده ها در کنار مبارزه آگاه، مشترک و سازمان یافته اجتماعی - سیاسی و شرکت متحد و موثف نیروهای آزادی خواه و مترقی در نبرد مقدس برای پایان بخشیدن به رژیم "ولایت فقیه" و استقرار آزادی، دیر یا زود، به نتیجه پیروزمند خود خواهد رسید.

۱۶ آذر، روز دانشجو ...

دانشجویی کشور در سال های پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، تا به پیروزی رسیدن انقلاب بهمن ۵۷، توانست نقش موثری در سازماندهی مبارزه علیه رژیم ایفا کند. هراس و یورش ارتجاع به جنبش دانشجویی کشور، پس از پیروزی انقلاب خیلی زود بار دیگر زیر عنوان "انقلاب فرهنگی"، به پرچم داری ریاست جمهور وقت ابوالحسن بنی صدر به دانشگاه ها آغاز گردید. پاکسازی وسیع دانشجویان مترقی و آزادی خواه، اخراج صدها دانشجوی دکتراندیش، دستگیری، شکنجه و اعدام ده ها دانشجو، از جمله تمهیداتی بود که رژیم "ولایت فقیه" برای خاموش کردن صدای مخالفت در دانشگاه های میهن ما انجام داد. علی رغم تمامی این تلاش ها و حضور دائمی و گسترده نیروهای امنیتی رژیم در دانشگاه های کشور، جنبش دانشجویی به حیات خود ادامه داد و حتی در دشوارترین شرایط، روز ۱۶ آذر را به عنوان روز دانشجو گرامی داشت. چهلمین سالگرد ۱۶ آذر در حالی برگزار می شود که سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی، اثرات مخربی بر زندگی جوانان وطن ما داشته است. از یک سو به دلیل "پاکسازی" تعداد زیادی از استادان و مربیان متخصص و جایگزین کردن آنان با کادرهای کم تخصص، کیفیت موسسات آموزشی کشور سقوط کرده است، و از سوی دیگر هر ساله به دلیل کمبود امکانات آموزشی، هزاران جوان از راه یافتن به موسسه های آموزشی محروم می شوند. مبارزه با سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی خصوصاً در زمینه برخورد با دانشجویان دختر، که مورد آزار و اذیت دائمی رژیم هستند، در سال های اخیر بار دیگر گسترش یافته است. به اعتراف خود سردمداران رژیم دانشگاه های کشور سنکری بوده است که رژیم جمهوری اسلامی علی رغم تلاش های متعدد نتوانسته است آنرا تسخیر کند. روح مبارزه جویی و نبرد با زورگویی و بی عدالتی، شعله سوزانی است که آتش مبارزه جنبش دانشجویی میهن ما را همواره زنده نگاه داشته است. سازماندهی در دانشگاه های کشور برای مبارزه در راه احقاق حقوق صنفی و از جمله امکانات بهتر آموزشی، دریافت کمک هزینه لازم، خوابگاه، امکانات سلف سرویس، و امکانات آزمایشگاهی، در کنار حق ایجاد تشکل های صنفی - دانشجویی از جمله عرصه هایی است که جنبش دانشجویی در راه دستیابی به آن مبارزه می کند.

۱۶ آذر، سالروز درسی گرانهاست. درس اتحاد، درس دست در دست هم گذاشتن برای مقابله با دشمن مشترک. دیگر کمتر کسی را می توان در محیط های آموزشی یافت که از رژیم استبدادی حمایت کند، حتی انجمن های اسلامی دانشجویان نیز از اوضاع کنونی ناراضی است. بحران اوج یابنده کشور ما تاثیر خود را بر محیط های دانشجویی نیز می گذارد و دیر یا زود جنبش دانشجویی در کنار جنبش مردمی میهن ما بساط ظلم و استبداد رژیم "ولایت فقیه" را درهم خواهد پیچید. جنبش دانشجویی کشور ما از تاریخ پرافتخار و رزم جویانه ای برخوردار است و همواره در حساس ترین مقاطع تاریخ میهن ما به عنوان نیروی یاور خلق در کنار آن بوده است.

نقط خونین

از اونا

روی پیشانی من،

داغ زخم کهنی است.

روی پیشانی من،

خط خونین درشتی ست-

که خیلی

خواناست.

روی پیشانی من،

خوره نسل عقیم من و تو-

می گردید.

روی پیشانی من،

حکم محکومیتم،

حک شده است.

حاکم محکمه ام،

نسل هر کاره اوست.

روی پیشانی من،

منظری از سحری کاذب هست.

و درختی که چنان چوبه تیر

و یک انسان شریفی که،

رسن پیچ

شده ست.

و بدستمال سیاهی بسته ست،

آبی باکره چشمانش،

سبزی مردمکانش.

همه کس می بیند،

همه کس می خواند،

همه کس می داند،

و به انگشت اشارت مارا-

می نماید به

کسان.

و به نجوا، می گوید-

این از اوناست ببین!

روی پیشانی او.

روی پیشانی او.

گودرز بیدلی

ادامه : تزار، دموکراسی و انتخابات در روسیه

بمنوعیت فعالیت گروه های سیاسی اپوزیسیون ناسیونالیست و کمونیست، را در بر می گیرند. از آنجایی که در حال حاضر نه پارلمان و نه دادگاه قانون اساسی ای وجود ندارد، هر فرمانی نقش یک قانون را پیدا می کند که فوراً لازم الاجراست. علاوه بر موارد مذکور در بالا یلتسین فرامینی را امضاء و صادر کرده است که عواقب پر دامنه ای داشته و عملاً با چوب حراج زدن به تمامی صنایع روسیه و نیز حذف سویسیدها، به پرورسه خصوصی کردن صنایع شتاب ویژه ای بخشیده است. اعلام بودجه ملی و نیز طرح بخشودگی های پارلمانی را از این قبیل باید شمرد.

دولت یلتسین با کمک مشاوران غربی خود محاسبه کرده است که تا شوک حادث از بمباران پارلمان و وحشت حاصل از برقراری وضع اضطراری از مردم زایل نشده است و تا مخالفان قدرت تجدید صفوف و مصاف جویی نیافته اند زمینه های قانونی برای تبدیل روسیه به یک کشور سرمایه داری را که در آن اقلیت های قومی و سیاسی حق و امکان دادخواهی را ندارند، فراهم نمایند.

در این رابطه در ۳۰ مهر اعلام شد که در طرح تجدید نظر شده قانون اساسی جدید، هرگونه اشاره ای به حق حاکمیت جمهوری های متشکله روسیه حذف گردیده است. سرکنی فیلاتوف، رئیس دفتر ویژه یلتسین گفت که یک گروه کار مجمع قانون اساسی که از طرف یلتسین بر کمارده شده است تمامی اشارات به "حق حاکمیت" را در رابطه با مناطق و جمهوری های متشکله روسیه از طرح جدید حذف کرده است. فیلاتوف در توضیح دلیل این عمل گفت که این کلمه "عواقب غیر قابل پیش بینی" در بر دارد. جالب این است که یلتسین در تابستان گذشته برای جلب نظر رهبران جمهوری ها و اقلیت های قومی و مخصوصاً جمهوری هایی مانند تاتارستان، قبول کرد که اشاره به "حق حاکمیت" در قانون اساسی کنجاندن شود. لذا عواقب این عهد شکنی و نیز تمهیدات جدید دولت روسیه در مورد جمع آوری مالیات ها علیه مناطق و جمهوری های ۸۸ گانه روسیه می تواند یکپارچگی و ثبات روسیه را با خطر روبرو کند. اقلیت های ملی شاهدند که بطور فزاینده ای دولت مرکزی قدرت و کنترل را در کرملین متمرکز می کند. در برخی زمینه ها منجمله کنترل مطبوعات از سوی دولت شکلی را پیدا کرده است که نه فقط ناظران بی طرف و دموکرات غیر روسی بلکه حتی عناصری از دولت را به انتقاد واداشته است. اخیراً نخست وزیر کنترل یک برنامه یک ساعته تلویزیونی را که قبلاً در اختیار پارلمان بود و جهت توضیحات قوه مقننه در نظر گرفته شده بود، برای پیش برد سیاست های تبلیغاتی خود بکار گرفته است. ویاجسلاو کوستیکف، سخنگوی مطبوعاتی یلتسین در ۶ آبان ماه اظهار داشت: "قابل تأسف است که در می یابیم دولت به امری دست یافته است که پارلمان و رهبر آن، روسلان خاسبولاتف، در آن شکست خوردند، و آن تشکیل وزارت پروپاگاندا و تبلیغ برای خود می باشد".

کنترل انحصار مطبوعات به ویژه در روند انتخابات پارلمانی و نیز فرآیند قانون اساسی که بطور هم زمان با آن در ۲۱ آذر ماه صورت می گیرند، نقش مخربی را علیه نیروهای منتقد و مردمی ایفاء می کند. در این رابطه ۴ آبان ماه، کنادای زیوکائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه اخطار کرد که با تبدیل روسیه به یک حکومت پلیسی، یلتسین نمی تواند قدرت را در دست بگیرد. او با اعلام این که در روسیه "راه میانه ای" وجود ندارد، گفت: "در اساس دو حزب وجود دارند، حزب خیانت ملی و حزب نجات ملی که ما هستیم" زیوکائف با اشاره به استفاده یلتسین از نیروهای نظامی وابسته به وزارت کشور برای سرکوب ناراضیان و معترضین و تظاهر کنندگان در مسکو در ماه گذشته، گفت: "او این کشور را به یک کشور پلیس زده تبدیل کرده است ولی بطور استراتژیکی وی از هم اکنون بازنده است. هیچ کس نمی تواند با اتکاء به سرنیزه در قدرت بماند، آن هم در روسیه امروز".

قبل از این، ۲۹ مهرماه، حزب کمونیست فدراسیون روسیه اعلام کرده بود که در انتخابات ماه آذر به نمایندگی از سوی یک جبهه وسیع گروه های مخالف یلتسین، منجمله آن هایی که از سوی دولت ممنوع و تحریم شده اند، شرکت خواهد کرد. زیوکائف در این رابطه اظهار داشته بود: "ما با تمام آن هایی که از سوی مردم سخن می گویند همکاری خواهیم کرد". در سخنان زیوکائف از چندین رهبر اپوزیسیون در پارلمان انحلال یافته از سوی دولت یلتسین به عنوان یاران بالقوه در یک بلوک انتخاباتی نام برد. این عده منجمله شامل سرکنی بابورین، رهبر ناسیونالیست و ایوان رایپکین از رهبران سرشناس کمونیست های رفرمیست می باشند.

در انتخابات آذر ماه که هنوز مشخص نیست براساس کدام قانون انتخاباتی برگزار خواهد شد، ۴۵۰ نماینده مجلسی بنام دوما دولتی و نیز ۱۷۶ نماینده مجلس سنا بنام "شورای فدراسیون" انتخاب خواهند شد. طبق قوانین انتخاباتی مورد نظر یلتسین، نیمی از اعضای مجلس دوما از طریق سیستم رای گیری نسبی از میان لیست کاندیداهایی که توسط احزاب و بلوک های فدرال ارائه می شوند، انتخاب خواهند شد.

احزابی که خواهان شرکت در انتخابات هستند باید حداقل ۱۰۰,۰۰۰ امضاء از حداقل ۷ منطقه روسیه جمع آوری کنند و تا تاریخ ۱۶ آبان ماه برای بررسی به کمیسیون مرکزی انتخابات تحویل دهند. این شرط به تنهایی مانع شرکت بسیاری از کم و بیش ۱۰۰ حزب و سازمان سیاسی که امکانات و منابع لازم و یا پوشش سراسری لازم را ندارند، خواهد گردید. تا تاریخ ۷ آبان ماه فقط ۳۵ بلوک و یا حزب سیاسی برای شرکت در انتخابات نام نویسی کرده اند. در زمان انتشار این مقاله اعلام شده است که حزب کمونیست فدراسیون روسیه با گردآوری بیش از ۱۵۰,۰۰۰ امضاء از مناطق مختلف روسیه اجازه شرکت در این انتخابات را یافته است. از شرکت ۸ حزب سیاسی دیگر یا بدلیل عدم کفایت تعداد امضاء های جمع آوری شده و چه بدلیل اینکه امضاء ها بطور مساوی از بیش از ۷ منطقه روسیه جمع آوری نشده بوده اند، توسط

دولت یلتسین جلوگیری شده است. در تقابل با سازمان هایی که بدرجات مختلف با سیاست های دولت یلتسین به مخالفت پرداخته اند، در نیمه دوم مهرماه حداقل سه ائتلاف که هوادار جهت گیری های استراتژیک یلتسین هستند، پا به عرصه وجود گذاشته اند. بزرگترین این بلوک ها بلوکی است بنام "انتخاب روسیه" که توسط یکی از مشاوران نزدیک یلتسین بنام کنادای بوربولیس طراحی شده است. این بلوک لیست نامزدهای انتخاباتی خود را معرفی نموده است. چندین نفر از همکاران اصلی یلتسین، منجمله معاون نخست وزیر یکورگایدار و رئیس دفتر ویژه یلتسین سرکنی فیلاتوف در راس این لیست انتخاباتی قرار دارند. گر چه یلتسین هنوز خودش رسماً هیچ بلوکی را تأیید نکرده است، "انتخاب روسیه" به دلیل تعداد وسیع وابستگان یلتسین در رهبری آن، بعنوان "حزب پرزیدنت" لقب یافته است. همچنین، اعضای مهمی از دولت فعلی به بلوک های رقیب پیوسته اند. مهمترین این ها "حزب وحدت روسیه" است که در ۲۵ مهرماه توسط معاون نخست وزیر سرکنی شاخرای تاسیس گردید. شاخرای همچنین تصمیم خود را برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده است. بلوک دیگری که نفوذ جدی در میان نجبگان وابسته به دولت دارد، "جنبش اصلاحات دموکراتیک روسیه" است که توسط شهردار قبلی مسکو، گاوریل پوپوف، و نیز شهردار سن پترزبورگ، آئاتولی ساینچاک، که هر دو از اعضای شورای ریاست جمهوری یلتسین هستند، بنا نهاده شده است. سوپچاک اخیراً به انتقاد از عناصر اصلی دولت یلتسین پرداخته است و آن ها را متهم کرده است که با چنگ و دندان و بطور دیوانه واری به رقابت در انتخابات آینده پرداخته اند و سکان دولت را به حال خود رها کرده اند.

در اظهاراتی که بی شباهت به اولین مصاف جویی اردوی پرزیدنت نمی باشد، معاون رئیس دفتر ویژه، ویاجسلاوولکوف به انتقاد از شاخرای و دیگر منشعبان از اردوی یلتسین پرداخت و آن ها را متهم کرد که تابع بلند پروازی های شخصی هستند و علیه منافع عالی کشور عمل می کنند. برخورد های انحصارگرانه و فردی یلتسین مطمئناً تنش هایی را در لایه های حاکمیت و نجبگان و نهایتاً شکاف هایی را در آن ایجاد خواهد کرد. ظهور سه بلوک انتخاباتی دست راستی خود شاهد چنین پروسه ای می باشد. علی رغم کوشش های یلتسین به تصاحب اکثریت کرسی های پارلمان و تضمین یک حاکمیت بی رقیب، پروسه فوق الذکر می تواند محاسبات او را نقش برآب کند. تحولات آینده روسیه بالقوه می توانند بر خلاف انتظار مفسران غربی و امید رهبران کشورهای غربی نتایج غیر منتظره ای را به همراه داشته باشند.

تصمیم و پوزش

در شماره ۴۱۴ "نامه مردم"، تاریخ روزنامه در برخی صفحات اشتباهاً به جای ۱۸ آبان، ۱۴ آبان تایپ گردیده بود که بدینوسیله از خوانندگان عزیز پوزش می خواهیم.

برخورد شدید مجلس شورای اسلامی با صدا و سیما

با انتشار گزارش کار گروه "تحقیق و تفحص" مجلس که در تاریخ های یازدهم و دوازدهم آبان ماه توسط علی اکبر پرورش (وزیر اسبق آموزش و پرورش) به مجلس شورای اسلامی ارائه داده شد، صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز پاسخ مفصلی به این گزارش را روز شنبه ۱۵ آبان از شبکه سراسری رادیو کشور پخش کرد.

متن شدید الحن جوابیه صدا و سیما و حمله شدید صدا و سیما به افراد شرکت کننده در این کمیسیون، نمونه جالبی از برخوردهای درون حاکمیت جمهوری اسلامی است. جوابیه صدا و سیما تلویحاً به انتقادات مطرح شده از سوی کمیسیون مربوطه پاسخ داده ولی بخش عمده جوابیه به بررسی شخصیت علی اکبر پرورش و یکی دیگر از اعضای کمیسیون اختصاص داده شده است. در جوابیه از جمله آمده است:

"صدا و سیما به عنوان زبان انقلاب اسلامی دارای موافقین و مخالفین متعددی است. در راس موافقین و حامیان این رسانه حضرت امام... مقام معظم رهبری و مسئولین محترم نظام و امت حزب الله... و در راس مخالفین این رسانه گروه های ضد انقلاب و آسیب دیده از انقلاب نظیر منافقین، گروهکهای چپ، انجمن حجتیه، طرفداران آمریکا - اسرائیل، سلطنت طلبان و... می باشند... در مسایل شرعی صدا و سیما نظیر نحوه حضور زن در تلویزیون و یا موسیقی طبق نظرات فقهی امام عمل کرده ایم و در اینگونه موارد هیأت نمی تواند طبق نظر خود قضاوت کند بلکه باید طبق فتاوی و نظرات امام راجح به موضوعات فوق الذکر اعلام نظر نماید... در خلال یک سالی که عملیات تحقیق و تفحص در جریان بود اطلاعات زیادی درباره اعضای گروه تحقیق و تفحص به سازمان صدا و سیما داده شد... با توجه به اعتقاد و ایمانی که داریم از افشای آن خودداری می نمائیم، ولی به یکی دو نکته که در تحلیل گزارش گروه بسیار موثر است بطور سربسته اشاره می کنیم زیرا عدم توجه به این نکات ممکن است به واقعیت ها لطمه جدی وارد نماید. آقای علی اکبر پرورش که سابقه فعالیت در انجمن حجتیه داشته است و مختصراً راجع به مایه های فکری او اشاره شد، بعضی دیگر از اعضای گروه نیز دارای سابقه همکاری و فعالیت در انجمن حجتیه می باشند. همچنین یکی از اعضای گروه با همسر یک منافق معدوم به عنوان همسر دوم ازدواج می نماید و او را به عنوان همسر "شهید" معرفی می نماید. اما بعداً مشخص می شود اولاً نامبرده همسر منافق معدوم است و ثانیاً همین زن بوده که همسر قبلی را به گروه منافقین کشانده است. بنابراین مایه های فکری برخی از عوامل غیر محسوس گروه تحقیق و تفحص روشن می گردد "حجتیه ها"، "منافقین"..."

در اینکه علی اکبر پرورش یکی از بدنام ترین و منفقور ترین اعضای حاکمیت جمهوری اسلامی بوده و هست شکی نیست، حزب ما به هنگام وزارت آموزش و پرورش این شخص بارها



ارتباطات او را در مطبوعات خود انتشار داد و نسبت به آن هشدار داد. آنچه که در این جوابیه به روشنی مشاهده می شود، شیوه عملکرد رایج سران جمهوری اسلامی است که در مقابل انتقادات، تلاش می کنند با ارباب و ترور شخصیت ها، صدای هرگونه مخالفتی را در گلو خفه کنند. پاسخ به این سؤال که آیا محمد هاشمی مسئول صدا و سیما اینبار هم خواهد توانست با توسل به این شیوه صدای مخالفت با صدا و سیما را خاموش کند، با توجه به اکثریت جدید حاکم در جمهوری اسلامی که اتفاقاً با طرفداران "حجتیه" می باشد، مسئله ای است که در آینده ای نه چندان دور روشن خواهد شد. آنچه که از هم اکنون می توان گفت این است که با توجه به تضعیف موقعیت رفسنجانی پس از انتخابات ریاست جمهوری موقعیت محمد هاشمی نیز به استحکام سابق نمی تواند باشد.

از ثمرات سفر فلاحیان به آلمان

در پی بازگشت فلاحیان از سفر آلمان، دفتر دادستان نظامی تهران اعلام کرد: "گرهارد باخمن" تبعه آلمانی پس از انجام تحقیقات لازم و تأمین مناسب بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳ آبان تا زمان تشکیل دادگاه درباره اتهام های وی آزاد شد.

به عقیده ناظران سیاسی آزادی "باخمن"، از یک سو و برخورد دولت آلمان به متهمان قتل دکتر شرفکنند، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران از سوی دیگر از جمله مهمترین موضوعاتی بوده است که در دیدار دوجانبه فلاحیان و مقامات امنیتی آلمان مورد بحث قرار گرفته است. حال سئوالی که مطرح می شود این است که در قبال این آزادی غیر مترقبه "باخمن"، دولت آلمان چه تضمین هایی پیرامون محاکمه "تروریست های" جمهوری اسلامی داده است.

۱۳ آبان روز تکرار شعارهای

توخالی و بی محتوی

برگزاری روز ۱۳ آبان در سال های اخیر، روز نمایش مسخره ای است که سران رژیم فرصتی بدست می آورند تا یک سری شعارهای توخالی و عوام فریبانه را تکرار کنند.

در حالی که سال ها است مسئله مبارزه با امپریالیسم و آمریکا از دستور کار سران رژیم حذف گردیده است، مدت ها پیش ارتباط نهانی جمهوری

اسلامی با رو شدن افتضاح "ایران گیت" برای همگان روشن گردید، امسال نیز به رسم سال های دیگر روز ۱۳ آبان با سخنرانی های داغ "ضد آمریکایی" سران ریز و درشت رژیم برگزار گردید. در حالیکه همه این سخنرانی ها بر ادامه راه "دانشجویان خط امام" تأکید کردند، تعدادی از رهبران این دانشجویان، از جمله کسانی مانند اصغر زاده (نماینده سابق مجلس)، عباس عابدی (سردبیر سلام) و دیگران مدتهاست در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برند. بر کسی پوشیده نیست که در سال های اخیر سران رژیم فعالانه تلاش کرده اند تا روابط خود را با آمریکا بهبود بخشند. و از این رو برگزاری چنین مراسم بی محتوی و عوام فریبانه ای نمی تواند از سوی کسی جدی تلقی شود.

تشدید بحران ارزی و اقدامات دولت

با تشدید بحران ارزی دولت جمهوری اسلامی که در هفته های اخیر قیمت برابری دلار با ریال را به ۱۷۰۰ ریال رسانده بود و عملاً کنترل بازار ارز را از دست بانک مرکزی خارج و در اختیار دلان ارز قرار داد، روز دوشنبه ۱۰ آبان اعلام شد که "کمیته تنظیم بازار ارز" جلسه ای با حضور رفسنجانی برگزار کرده است و در پی این جلسه اعلام گردید: "نیازهای ارزی کلیه دستگاه های دولتی و شرکت های وابسته به دولت، بنیادها و نهادها از طریق شبکه بانکی کشور" انجام خواهد شد. و همچنین "کلیه کالاها تجاری وارداتی به کشور که فاقد برگ سبز کمرکی است قاچاق تلافی خواهد شد." بدنبال اعلام این تصمیم نرخ برابری ارزهای خارجی، از جمله دلار، مارک و پوند با ریال در بازار ارز تهران به ترتیب به ۱۶۶۰، ۹۸۴ و ۲۴۲۵ ریال کاهش یافت. به عقیده کارشناسان اقتصادی، اقدامات اخیر دولت، از جمله محدود کردن ورود کالا، معرفی سود بازرگانی به جای تعرفه های کمرکی و... عمدتاً به دلیل نبود امکانات ارزی دولت و بحران شدید مالی است که جمهوری اسلامی با آن دست بگریبان است.

قطع ارز پزشکی به بیماران عازم به خارج از کشور

دکتر علی رضا مردی وزیر بهداشت روز ۱۶ آبان اعلام کرد که از "ابتدای امسال به بیماران ارز پزشکی پرداخت نخواهد شد. برای کمک به آن دسته از بیمارانی که استطاعت مالی نداشته و بایستی به خارج اعزام شوند سوپسید ریالی... تا حداکثر ۱۰ میلیون ریال پرداخت خواهد شد. دکتر مردی علت اصلی چنین تصمیمی را پیشرفت های بی نظیر جمهوری اسلامی در زمینه پزشکی و بی نیاز شدن ایران از اعزام بیماران به خارج از کشور اعلام کرد.

روسیه

روز ۱۱ آبان ماه پروادا، مهم ترین روزنامه نیروهای اپوزیسیون روسیه يك ماه پس از تعطیلی آن توسط دولت یلتسین، دوباره انتشار یافت. يك بیانیه در صفحه اول روزنامه تجدید حیات یافته اعلام کرد: "می خواهیم برای همه روشن کنیم که ما در صدد عوض کردن عقاید خود نیستیم. ما به بهترین سنت های پروادا وفادار می مانیم، ما بعنوان تربیونی برای نیروهای چپ و نیز طرفداران ارزش های سوسیالیستی باقی خواهیم ماند. ما افراطی گری را در هر شکل آن محکوم می کنیم". در پایان وضعیت اضطراری در روسیه ۲۶ مهرماه، وزارت اطلاعات روسیه از کارکنان پروادا خواسته بود که اگر خواهان تجدید انتشار پروادا هستند باید نام روزنامه، سردبیر آن و جهت گیری سیاسی آن را عوض کنند. پس از يك دوره بحث های داغ، عاقبت کارکنان پروادا توافق کردند که کنادی سلزنیوف، سردبیر پروادا به نفع ویکتور لینیک که قبلا خبرنگار پروادا در واشنگتن بوده است کنار برود. کارکنان پروادا از قبول تغییر نام خودداری کردند و نیز فقط قبول کردند که در موضع گیری های آتی از يك "لحن متدمن" بهره بگیرند. سردبیر قبلی پروادا کنادی سلزنیوف گفت: "البته ما قربانیان استبداد سیاسی ای هستیم که خود در آن هیچ انتخابی نداریم. آزادی مطبوعات در معرض حمله است و ما برای بقا باید مبارزه کنیم".

الکسی سیمونوف، رئیس "صندوق اتحادیه ژورنالیست های روسیه برای دفاع از علنیت" اخیرا اظهار داشته است که بیشتر مطبوعات روسیه در حال حاضر در يك محدوده برزخی ما بین آزادی و کنترل دولتی بسر می برند و باید در مقابل مقامات کوتاه بیایند. او گفت: "ما در يك وضعیتی زندگی می کنیم که سانسور در هر لحظه ای می تواند اعمال بشود... وحشت در حال گسترش است". دولت ۱۵ روزنامه مخالف را برای همیشه تعطیل کرده است و تعداد وسیعی از روزنامه نگاران به دلیل عدم قبول تبعیت از موضع دولت، از کار بیکار شده اند.

یونان

با وجود قطب بندی شدید مبارزه انتخاباتی در یونان بین دو بلوک بزرگ راست های افراطی "مستوتاکیس" و رهبر "پاسوک"، "پاپاندرو"، حزب کمونیست یونان موفق شد با کسب ۴,۵ درصد آرا، يك گروه ۹ نفره از نمایندگان خود را به پارلمان بفرستد. "ائتلاف چپ و ترقی" که از حزب کمونیست جدا شده بودند و دیگر گروه های چپ ۲,۹ درصد آرا را به خود اختصاص دادند، که بدین ترتیب نمی توانند در پارلمان حضور داشته باشند.

آرژانتین

اتحاد انتخاباتی چپ به نام "جبهه وسیع"، که از کمونیست ها، "پرونیست" های سابق، مسیحیان و دیگر نیروهای چپ تشکیل شده بود، ۱۴٪ آرای انتخاباتی را در آرژانتین "بوینس آیرس" به خود اختصاص داد. پس از بیست سال برای اولین بار دو نماینده چپ به مجلس ملی راه پیدا می



میان" و معتدل نام می برند و یا زیر کنترل سیاستمداران سنتی اردن هستند که با هیئت حاکمه و سیاست های آن خصومتی ندارند. نیروهای چپ موفق شدند که ۲ کرسی از ۸۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهند.

در عمان پایتخت اردن، رای دهندگان برای اولین بار يك نماینده زن بنام توجان الفیصل را به نمایندگی پارلمان انتخاب کردند. در آغاز کار هنگامی که خانم الفیصل داوطلب کاندیداتوری مجلس شد، متعصبین مذهبی از محاکم شرعی و حقوقی خواستار ابطال ازدواج او و نیز تضمین بخشودگی برای هرکسی که خون او را بریزد، گردیدند.

کوبا

يك هیئت از رهبران حزب کمونیست چین از منطقه شانکسی به منظور توسعه در تماس های دو کشور در روز ۲۰ آبان ماه وارد هاوانا شدند. این بازدید درست ۱۰ روز قبل از ورود رئیس جمهور چین آقای ژیانگ جین، عالی رتبه ترین رهبر چینی که تاکنون از منطقه کارائیب بازدید کرده است، صورت می گیرد.

ژیانگ جین که به موازات پست ریاست جمهوری، رهبر حزب کمونیست چین نیز می باشد، در خاتمه اجلاس مجمع همکاری های اقتصادی آسیا-اقیانوس آرام که در نیمه دوم آبان ماه در سیاتل برگزار می شود، به کوبا خواهد رفت. انتظار می رود که مذاکرات هیئت شانکسی به رهبری دبیر اول کمیته ایالتی حزب کمونیست با مقامات کوبایی روی روابط اقتصادی منجمله همکاری در رشته های نساجی، بیوتکنولوژی و مواد غذایی متمرکز شود.

فلسطین

هیئت های نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و اسرائیل در ۱۷ آبان ماه مذاکرات خود را در مورد نقش نظامیان اسرائیلی، پس از بازپس نشینی اسرائیل از نوار غزه، از سر گرفتند. مذاکره کنندگان ساف يك هفته قبل از آن در اعتراض به طرح اسرائیل برای نكهداری ۴۰۰۰ نظامی در نوار غزه و کنترل بیش از ۱۵۸ کیلومتر مربع از ۳۵۸ کیلو متر مربع مساحت منطقه به بهانه محافظت از ۲۰۰۰ اسرائیلی ساکن کلنی های مخصوص، مذاکرات شهر تابا در مصر را ترك گفته بودند.

در اورشلیم معاون نخست وزیر، یوسی بیلین، پیش بینی کرد که اختلاف نظر سرعیا مرتفع گردد و گفت: "مشکل جدی وجود ندارد".

مقامات رسمی وزارت خارجه مصر گفتند که اگر طرفین توافق کنند، مذاکرات کامل در مورد جزئیات توافق خاورمیانه فوراً در تابا از سر گرفته خواهد شد.

در این توافق يك دوره گذار ۵ ساله که در طی آن هر دو طرف در مورد موقعیت نهایی اراضی مذاکره می کنند، پیش بینی شده است. دو طرف مذاکره باید تا تاریخ ۲۲ آذر ماه جاری در مورد جزئیات بازپس نشینی اسرائیل و تحویل دادن کنترل امور غیر نظامی و اداری به طرف فلسطینی، توافق کنند. آن گاه از این تاریخ تخلیه نیروهای اسرائیلی آغاز می گردد.

کنند. خانم "فرناندز" مادر یکی از مدافعین مفقود شده حقوق بشر، و "کارلوس آلوارس"، سیاستمدار سابق "پرونیست". "فرناندو سولانا" (پینو)، کارکردان کمونیست با کسب ۵۰۰,۰۰۰ رای به نمایندگی مجلس محلی پایتخت انتخاب شد.

افغانستان

سازمان ملل متحد در ۲۰ آبان خواستار کمک وسیع برای یاری به مردم جنگ زده افغانستان گردید. جنگ داخلی و نابودی سیستم اداری-شهری کشور در طول ۱۸ ماهه گذشته مردم افغانستان را در زمستان سخت این کشور با مشکلات جدی روبرو کرده است. سویتریوس موسوریس، هماهنگ کننده کمک های انسانی سازمان ملل به افغانستان گفت:

"ما شدیداً امید بسته ایم که اعانه دهندگان بین المللی دست و دل بازانه تر از گذشته عمل کنند".

آقای موسوریس گفت که اوضاع ناامن و درهم ریخته افغانستان، جایی که نظامیان زیر کنترل نخست وزیر، کلبودین حکمتیار، در اواسط آبان ماه جاری حمله دیگری را، در سلسله تهاجمات خونین به نیروهای وفادار به رئیس جمهور، برهان الدین ربانی ترتیب دادند، اعانه دهندگان را از دادن کمک منصرف می کند.

او هم چنین به وضعیت رئیس جمهور سابق، دکتر نجیب الله اشاره کرد که هنوز در يك ساختمان متعلق به سازمان ملل به سر می برد. آقای موسوریس گفت: "این يك وضعیت تاسف باری است که هنوز حل نشده است".

نجیب الله از تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۷۱، بعد از کودتای خانگی از مقام خود برکنار شد، در ساختمان مرکز سازمان ملل در کابل گرفتار شده است. برخی از رهبران تروریست مسلک افغانستان، منجمله کلبودین حکمتیار، اظهار داشته اند که خواستار "محاکمه رئیس جمهور سابق هستند".

اردن

روی کردانی بخش وسیعی از رای دهندگان اردنی در انتخابات پارلمانی این کشور در اواسط آبان ماه جاری موضع و موقعیت "جبهه عمل اسلامی" را شدیداً تضعیف نمود.

نتایج نهایی انتخابات حاکی از این واقعیت است که تعداد کرسی های نمایندگی جبهه عمل اسلامی به ۱۶ عدد تقلیل پیدا کرده است. در پارلمان قبلی، بنیادگرایان مسلمان ۲۲ کرسی داشتند. اکثر کرسی های پارلمان توسط نیروهای اشغال شدند که مطبوعات عربی از آن ها به عنوان "نیروهای

افزایش سرسام آور بهای نوشت افزار در آغاز سال تحصیلی زحمتکشان مین را با مشکلات جدی روبرو کرده است

۹۰ درصد افزایش نشان می دهد. وی می گوید: «کتاب های درسی کلاس های اول انسانی و تجربی در سال قبل به ترتیب ۱۷۵۰ و ۱۷۶۰ ریال بود که امسال با قیمت های ۲۶۳۰ و ۲۲۵۹ ریال به دانش آموزان عرضه می شود.»

بسیاری از والدین علت اصلی این بحران را «عدم توزیع دفتر و قلم از سوی مدارس و نیز احتکار این کالاها توسط برخی افراد سودجو» که «در افزایش قیمت دخالت مستقیم» داشته اند می دانند. «علوان هاشمی»، ولی چهار فرزند دانش آموز می گوید: «افزایش نرخ نوشت افزار خصوصاً دفتر به قشر کم درآمد و خانواده های پر جمعیت فشار زیادی وارد کرده است» و از مسئولین می طلبد که «همچون گذشته توزیع برخی اقلام مورد نیاز و ضروری دانش آموزان را به عهده مدارس بگذارند.»

افزایش شدید نرخ نوشت افزار در سراسر کشور و محرومیت های شدیدی که از نظر آموزشی برای فرزندان مین ما ایجاد کرده است، نتیجه مستقیم همان سیاست «خصوصی کردن» است که دیگر بخش های عمده اقتصاد کشور، به ویژه تولید صنعتی و کشاورزی را نیز با بحران روبرو ساخته است. اگر در برنامه اول «خصوصی کردن اقتصاد» توسط رفسنجانی، صنایع و کشاورزی ایران به ورشکستگی کشیده شدند، می توان اطمینان داشت که با شروع برنامه اقتصادی دوم، سیاست خصوصی کردن کربان نظام آموزشی مین ما را نیز بگیرد. افزایش سرسام آور بهای کتاب های تحصیلی و نوشت افزار، خود شاهدهی است بر این حقیقت که برنامه دوم رفسنجانی، حتی پیش از آغاز، به پیروزی رسیده است!

۱۷۰ و ۴۰۰ ریال بود، در حال حاضر قیمت همین اقلام به ترتیب به ۱۹۰، ۳۰۰ و ۶۰۰ ریال افزایش یافته است. همین نشریه در شماره ۱۲ مهر خود خبر می دهد که مشابه همین وضع در شهر آبادان به وجود آمده است؛ طبق گزارش این نشریه، «در اثر کمبود دفتر مورد نیاز دانش آموزان، قیمت این کالا ظرف یک هفته گذشته بیش از ۳۵ درصد افزایش پیدا کرد بطوری که دفتر یکصد برگی از ۶۰۰ ریال به ۸۰۰ ریال و دفتر ۶۰ برگی از ۲۵۰ ریال به ۴۵۰ ریال افزایش یافته است.»

«کار و کارگر» در جای دیگری گزارش می دهد که قیمت کپی اوراق درسی دانشجویان دانشکده ها و واحدهای آموزشی دانشکاه فردوسی مشهد ده برابر «افزایش یافت و به ۱۰ تا ۳۰ ریال رسید. هزینه کپی هر ورق جزوات درسی قبلاً ۳ ریال بود». این در حالی است که معاون اداری و مالی دانشکاه، با صدور بخشنامه ای نرخ جدید کپی برداری را بین ۱۰ تا ۱۵ ریال اعلام کرده بود. این افزایش ناگهانی بهای نوشت افزار و اوراق درسی با اعتراض شدید دانشجویان و والدین دانش آموزان روبرو شده است. طبق گزارش «کار و کارگر»، دانشجویان دانشکده های مهندسی و علوم دانشکاه فردوسی با امضای یک طومار دسته جمعی خواستار کاهش نرخ کپی اوراق درسی شده اند.

مشابه همین روند در قیمت کتاب های درسی نیز مشاهد می شود. طبق گفته یکی از فروشندگان با سابقه کتاب در همدان، در حال حاضر کتاب های درسی دوره راهنمایی با ۹ جلد کسری توزیع می شود و قیمت دوره های مختلف کتاب های درسی نسبت به سال گذشته ۳۰ تا

با آغاز سال تحصیلی جدید، دست اندرکاران رژیم که مدت ها است به وظایف خود در مقابل انقلاب و مردم مین ما پشت کرده اند، بار دیگر کوشیدند تا با پنهان شدن در پشت گفته های عوام فریبانه، کم کاری خود در عرصه آموزش را لاپوشانی کنند.

در همین راستا، رفسنجانی، رئیس جمهور رژیم، دیدار ۱۱ مهر خود با «آموزشیاران و سوادآموزان نمونه نهضت سواد آموزی» را به تریبونی برای داد سخن دادن در مورد توجه رژیم به مسأله آموزش تبدیل کرد. او که سخنان خود را با شعار «محرومیت کودکان و نوجوانان از نعمت سواد برای نظام اسلامی قابل تحمل نیست» آغاز کرد، بی سوادی را «یکی از آثار سوء بی عدالتی تحصیل شده به کشور و یک عیب بزرگ در جامعه اسلامی» ارزیابی کرد و قول داد که «سعی می شود تا پایان برنامه دوم مسأله بیسوادی حل شود و این سرمایه گذاری ها جهت تعمیق آموزش های عالی تر به کار رود.»

اما در حالی که رفسنجانی شعار مبارزه با «محرومیت کودکان و نوجوانان از نعمت سواد» را سر می دهد، مطبوعات کشور گزارش می دهند که افزایش سرسام آور نرخ لوازم التحریر در آغاز سال تحصیلی جدید، فرزندان زحمتکشان مین ما را با محرومیت های شدیدی در عرصه تحصیل روبرو کرده است. به گزارش نشریه «کار و کارگر» (شماره ۱۱ مهر ۱۳۷۲)، «همزمان با بازگشایی مدارس و آغاز فعالیت های آموزشی، قیمت انواع دفتر و نوشت افزار در همدان بطور بی سابقه ای افزایش یافت». این نشریه گزارش می دهد در حالی که در شهریور ماه قیمت دفترهای ۴۰، ۶۰ و ۱۰۰ برگی به ترتیب ۱۴۰،

اخبار زحمتکشان

اعتراض کارگران کرمانشاه به سازمان تأمین اجتماعی

در گردهم آیی شوراهای اسلامی کار استان کرمانشاه که در اوایل مهرماه برگزار شد، جواد اکبری، دبیر خانه کارگر کرمانشاه، مسئولین سازمان تأمین اجتماعی را به خاطر عدم رسیدگی به وضع بهداشت و مسکن کارگران این استان به شدت مورد انتقاد قرار داد. او در سخنان خود گفت: «ما نمی دانیم چرا باید کارگران مورد بی مهری قرار گیرند در حالی که در هفته دفاع مقدس عنوان شد که هزاران کارگر در راه اسلام جان خود را فدا کردند؟ نباید پس از گذشت ۱۵ سال از انقلاب با کارگران اینگونه رفتار کنند.» وی سپس مسئولان رژیم را مخاطب قرار داد و پرسید: «مشکل احداث بیمارستان و داروهای مورد نیاز خانه های بهداشت، مشکل وام و مسکن را چه کسی باید حل کند؟ مگر تأمین اجتماعی نبایستی باری از دوش این بازنشستگان و کارگران شاغل بردارد؟»

اعتراض کارگران به جلوگیری از تشکیل شوراهای اسلامی کار دریابیکی، دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران، در جلسه هیأت اجرایی خانه کارگر این استان به مقامات رژیم به خاطر جلوگیری از

تشکیل سه شورای اسلامی در نساجی مازندران، و همچنین به خاطر تأخیر در پرداخت حقوق معوقه کارگران در واحدهای نساجی شهرستان های قائم شهر، آمل و بهشهر، انتقاد کرد. او ضمن تأکید بر اینکه «مخالفت با شوراهای اسلامی کار مخالفت با ارزش های انقلاب...» است، از مسئولین خواست که در خصوص تشکیل این سه شورای اسلامی کار اقدام کنند.

«طرح تعدیل نیروی انسانی» چاره درد نیست!

آقای کرد، مسئول انجمن های اسلامی واحدهای تولیدی و صنعتی تهران، در جلسه کانون همبستگی انجمن های اسلامی کار محور جاده قدیم کرج به سیاست های «تعدیل نیروی انسانی» که از سوی دولت رفسنجانی به پیش برده می شود انتقاد کرد و سیاست بازرگانی درهای باز از سوی دولت را مسئول مشکلات دانست. او در توضیح این گفته اظهار داشت: «تنها اجرای تعدیل نیروی انسانی روش کاهش هزینه های تولید نیست، بلکه باید دلایل بالا بودن هزینه های تولید و احیاناً عدم وجود بازار برای فروش کالاها داخلی به دلیل واردات کالاها مشابه خارجی را مورد بررسی قرار داد.»

ادامه : لایحه رسیدگی به تخلفات اداری ...

بر می شمارد که به موجب آن احکام اخراج، انفصال دائم از خدمات دولتی، انفصال موقت از خدمت، بازنشستگی قبل از موعد و تبعید به مناطق دیگر شامل حال کارمندان مورد تنبیه رسمی می شود. این امر بیانگر حقیقت تلخی است برای رژیم که علی رغم سکوت ارکان های مطبوعاتی رژیم و دستگاه های امنیتی آن مخالفت زحمتکشانش چه اشکال متنوعی را در برداشته است و از سوی دیگر این واقعیت را ثابت می کند که رژیم مستاصل و بحران زده در صد است بهر ترتیبی شده حضور مخالفان و منتقدان خود را در دستگاه های اداری غیر ممکن سازد. البته دیرگاهی است که اپوزیسیون ترقیخواه از این واقعیت آگاه است که کارمندان برپایه موقعیت خود در سیستم اداری و نیز بسته به این که تا چه حد از فشارهای موجود به جان آمده و آماده شرکت مستقیم در مبارزه ضد حاکمیت باشند، از شیوه های مختلف برای به نمایش گذاردن مخالفت خود با سیاست های رژیم بهره می گیرند. در حالی که بخشی از کارمندان پیکیرانه با نقض قوانین و مقررات دست و پاگیر، سرپیچی از اجرای دستورهای مقامات بالاتر (که عموماً ناصالح و انتصابی می باشند)، کم کاری، رعایت نکردن حجاب و نیز برخی تمحیل های مذهبی خرافی و غیر علمی نارضایی خود را آشکار می سازند، بخشی دیگر از کارمندان از شیوه های کارآتر مبارزه نظیر افشاکری سیاست های رژیم با افشاء اسناد محرمانه اداری، سازمان دادن اعتراضات جمعی بصورت کم کاری، ترک محل کار، تحصن و تظاهرات و اعتصاب و پیوستن و حمایت از نیروهای اپوزیسیون سیاسی رژیم، بهره گرفته اند.

حتی اگر ادعای رژیم را مبنی بر اینکه "لایحه رسیدگی..." هم چنین هدف مبارزه با فساد اداری را دنبال می کند جدی بگیریم، باز انکشت اتهام را باید متوجه خود رژیم کرد که با استقرار سیستم عقب مانده، ورشکسته و ارتجاعی و غیر علمی حاضر، چنان وضعیتی را بوجود آورده است که معدود عناصر ناآگاه جهت بقای اقتصادی خانواده خود و از پس مخارج کمرشکن اداره زندگی برآمدن، به حربه مذموم رشوه گیری دست یازیده اند.

پیکیری مذاکرات مجلس اسلامی آشکار می کند که تمهیدات رژیم در "لایحه..." مشخصاً جهت برخورد با رشد جنبش اعتراضی در دستگاه اداری می باشد. رژیم بحران زده مقاومت زحمتکشانش را در مقابل خود، چه به صورت افشاکری، چه به صورت مقاومت منفی از طریق بی توجهی به مقررات دست و پاگیر حجاب اسلامی و چه در شکل عالی مقاومت فعال از طریق پیوستن و حمایت از احزاب سیاسی مخالف و شرکت در تظاهرات و تحصن ها، نمی تواند تحمل کند.

دولت با تدوین و تصویب لایحه فوق در صد است که به تصور خود یا گذاشتن نقطه پایان بر هرگونه اعتراض و اعتصاب کارمندان و کارگران در ادارات و شرکت های تابع بخش دولتی که

طبق ماده ۱۸ از فصل چهارم لایحه شامل "کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها، موسسات و شرکت های دولتی، شرکت های ملی نفت و گاز و پتروشیمی و شهرداری ها و بانک ها و موسسات و شرکت های دولتی... و موسساتی که تمامی یا قسمتی از بودجه آن ها از بودجه عمومی تامین می شود و نیز کارکنان مجلس شورای اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی" می گردد، خیال خود را از جانب بخشی از جبهه مخالف که به لحاظ بهره مندی از سواد و نیز آگاهی اجتماعی امکان دسترسی به اهرم های عمده سیستم اداری را داراست، آسوده نماید. این بماند که سردمداران رژیم هیچ توضیحی نداده اند که چگونه و در حالی که قانون کار مصوبه رژیم، حق اعتصاب را قانونی می داند، چگونه می توان خودسرانه و با یک چرخش قلم این حق مسلم و طبیعی را از ۲ میلیون حقوق بگیر بخش دولتی سلب نمود. با توجه به شرایط انفجار آمیز اقتصادی- اجتماعی جامعه که موجب تشدید موج نارضایی توده ها شده است، می توان درک کرد که این "لایحه" هم آهنگی ویژه ای با سیاست کلی رژیم دارد که متوجه جلوگیری از رشد جنبش اعتراضی به هر قیمتی است.

بررسی مختصر عواقب وضعیت اجتماعی- اقتصادی کشور و نتایج سیاست های اقتصاد ی ناپرخدانه و ضد مردمی دولت هاشمی رفسنجانی بروشنی آشکار می سازد که ورشکست اقتصادی کشور- تورم سرسام آور- کاهش ارزش ریال، افزایش بیش از حد قیمت های مایحتاج عمومی و ثابت ماندن حقوق و مقرری ماهانه زحمتکشانش، عملاً لایه های با حقوق ثابت را که شامل کارگران و کارمندان می شود با کرسنگی و محنت روز افزون روبرو نموده است. سیاست های غلط رژیم در باز کردن دروازه های کشور بروی کالاهای مصرفی غیر ضرور از کشورهای غربی به موازات عدم حمایت آن از صنایع داخلی، شیخ شوم بیکاری و کرسنگی را بر زحمتکشانش کشور نازل نموده است. گسترش روز افزون تورم، که طبق آمار رسمی بیش از ۳۰٪ است و گرانی کمرشکن که منجر به کاهش قدرت خرید زحمتکشانش می شود، مسئله دردناک مسکن، کمیابی ارزاق عمومی با نرخ های معقول و ده ها مشکل دیگر، همه مردم و از جمله کارگران و کارمندان را وادار به واکنش می سازد. اگر تا دیروز اندک توهمی در مورد امکان و خواست رفسنجانی برای ایجاد یک اقتصاد کارآ... وجود داشت، واقعیت های دو ساله اخیر، باعث شده است که اقشار وسیعی از مردم نتایج ندامت کاری های او را در تابعیت مستقیم از طرح های صندوق بین المللی پول با گوشت و پوست خود حس بکنند.

در چنین فضایی است که دولت هاشمی رفسنجانی که به روشنی از بی آینده بودن برنامه های اقتصادی خود مطلع بوده و مطمئناً با دسترسی داشتن به گزارش های وزارت برنامه و بانک مرکزی، رسیدن فاجعه و سقوط اقتصادی کشور را پیش بینی کرده است، درصدد چاره جویی و مقابله با گسترش مبارزات زحمتکشانش کشور از

پیش دست بکار شده است، رژیم از یک سو با قطع سوبسیدها کاهش بودجه خدمات عمومی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و تامین اجتماعی در صد جلب نظر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است و از سوی دیگر با وضع قوانین خشن سعی دارد از رشد جنبش اعتراضی در صفوف کارمندان و پیوند آن با جنبش حق طلبانه دیگر اقشار مردمی جلوگیری نماید.

XXX

آیا تمهیدات رژیم را می توان و باید نشانه قدرت و کنترل آن بر جامعه و نهادها دانست و یا این که برعکس؟ عکس العمل عاجزانه در مقابل موج شدت یابنده جنبش اعتراضی، در طولانی مدت، راه به جایی نخواهد برد.

تاریخ معاصر کشور ما نمونه های بسیاری از اقدامات دیکتاتورها برای تثبیت و استقرار نظم مورد نظر خود را شاهد بوده است که در عمل و در قبال واقعیات عینی جامعه نمود کوشش های فضاحت باری را یافتند که جز بدنامی و رسوایی برای طراحانش حاصلی نداشتند. اشاره به کوشش رژیم برای اقامه نماز جماعت در ادارات و محل های کار و یا ایجاد انجمن اسلامی که پس از یک دوره اولیه کوتاه مدت، به ابزاری برای تمسخر ارزش های مورد نظر رژیم و انزوی مهره های حکومتی در محافل کارگری و کارمندی بدل گردیدند، بی فایده نمی باشد.

هم چنین مفید خواهد بود به تمهیداتی که وزارت کار رژیم شاهنشاهی، در ماه های پایانی سال ۱۳۵۵ و هم زمان با اوج جنبش اعتراضی که درست دو سال بعد از آن شیرازه حکومت پهلوی را در هم نوردید اتخاذ کرد، اشاره نمود. در آن زمان نیز رژیم ستمگر برای جلوگیری از نضج مبارزات حق طلبانه مردم طرح های ویژه ای را تدوین و تصویب نمود که اصلی ترین آن ها در رابطه با ایجاد "انضباط" شدید و دلخواه رژیم در محیط کار بود. مجله تهران اکونومیست در شماره یازدهم دی ماه ۱۳۵۵ خود ادعا کرد که: "مهم ترین برنامه های مرحله دوم انقلاب!! مبارزه با کم کاری خواهد بود". نتیجه تاریخی خواست مردم و مقاومت رژیم پهلوی، روشن تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد.

لیکن برقمای واقع بینان سیاسی هم در آن زمان و هم ۱۷ سال بعد در دوران حاکمیت ولایت فقیه، پرواضح است که کم کاری و نقض انضباط مورد نظر رژیم خودکامه و فاسد در مرحله ای از مبارزه، شیوه ای کارآ و متداول در اختیار نیروی کار جهت مبارزه با سیستمی است که سیاست هایش حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم را نادیده گرفته است.

اتخاذ سیاست های شداد و غلاظ در این رابطه هیچ ثمری جز سوق دادن مبارزه به مراحل عالی تر و پیوستن کارمندان و کارگران به مبارزات سازمان یافته علیه رژیم نخواهد داشت.



پیام های تبریک

به مناسبت :

پنجاه و دومین سالگرد تاسیس حزب

حزب کمونیست اتریش

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

بمناسبت پنجاه و دومین سالگرد تاسیس حزب توده ایران دروهای گرم و رفیقانه ما را بپذیرید. تاریخ حزب شما، تاریخی سرشار از مبارزه سخت و جانفروسا، با قربانیان بی شمار، به خاطر زحمتکشان ایران بوده است که شما در شرایط کوناگون به پیش برده و می برید. ما خوشحالیم که شما با برکزاری کنکره اخیر خود کام جدیدی در مبارزه برای دموکراسی، ترقی اجتماعی، صلح، سوسیالیسم و همبستگی بین المللی برداشته اید. از صمیم قلب برای شما آرزوی موفقیت می کنیم.

فرانتس موری

صدر حزب کمونیست اتریش

حزب کمونیست کارگری

سوئد

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقا!

به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد تاسیس حزبتان سلام های رفیقانه ما را بپذیرید! ما می دانیم که شما این سالگرد را، همچنان، در سخت ترین شرایط برای خلق و حزبتان برقرار می کنید. از این رو ما مبارزه شما را به خاطر آزادی های دموکراتیک در ایران بیشتر ارج می گذاریم. چگونگی روند سیاسی در کشور شما برای صلح و حل مسایل پیچیده خاور نزدیک اهمیت به سزایی دارد. در حال حاضر نیروهای رژیم مرتجع، ایران را در چنگال خود گرفته اند و امپریالیسم در منطقه نفوذ بیشتری یافته است. ولی ما بر این باوریم که اشتراک مساعی کمونیست ها، سوسیالیست ها و طیف نیروهای مترقی و ضد امپریالیست در خاور نزدیک و ایران به خاطر دموکراسی و ترقی اجتماعی به پیش خواهد رفت. در این مبارزه، ایده ها و اهداف انترناسیونالیستی ما را به یکدیگر پیوند داده است.

برای شما در مبارزه تان موفقیت بیشتر آرزو می کنیم.

با دروهای کمونیستی

رلف هاگل - دبیر اول حزب

حزب کمونیست کارگری سوئد

حزب کمونیست سری لانکا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

هئیت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سری لانکا، به نمایندگی از سوی کمونیست های سری لانکا، گرم ترین دروهای خود را به تمامی اعضای حزب توده ایران به مناسبت این سالگرد فرخنده تقدیم می دارد. اجازه دهید تا در ابتدا ما دروهای خود را به همه کمونیست ها، اعضای قهرمان حزب توده ایران، که جان خود را بر سر آرمان های والای آزادی و عدالت باختند و یا در زندان های دهشتناک زیر شکنجه قرار دارند، تقدیم داریم. به عنوان یک پیشاهنگ جنبش کارگری ایران، حزب توده ایران مبارزه پیکیر و خستگی ناپذیری را علیه فاشیسم، استبداد و کلونیالیسم سازماندهی کرد و نقش شایسته ای در مبارزه مردم برای ملی کردن صنعت نفت کشور ایفا نمود. نقش شما در جنبش انقلابی سال ۷۹ احترام ما را برانگیخت. نه ترور شاه، نه سرکوب خمینی و نه تلاش های مسلمانان بنیادگرای کنونی نتوانسته است شما را از مبارزه تان برای دموکراسی، عدالت اجتماعی بازدارد. کمونیست های سری لانکا عمیق ترین احترام ها را برای مبارزه قهرمانانه شما، که علی رغم فروپاشی حکومت های سوسیالیستی در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق همچنان ادامه یافته است، دارند.

پنجاه و دو سال مبارزه شما برای آرمان های والای مردم ایران، برای صلح، آزادی و سوسیالیسم، اعتبار ویژه ای برای حزب شما در درون و بیرون از ایران ایجاد کرده است.

زنده باد حزب توده ایران

با گرم ترین دروهای رفیقانه

دیو کوناسکارا

دبیر امور بین المللی

کمیته مرکزی حزب کمونیست سری لانکا

حزب کمونیست کانادا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

گرم ترین دروهای رفیقانه کمیته مرکزی و اعضای حزب کمونیست کانادا را به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد تاسیس حزبتان بپذیرید. حزب توده ایران، در طول تاریخ پنجاه و دو ساله اش همواره در راه آرمان های والای استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم برای مردم ایران مبارزه کرده است. حتی در دشوار ترین شرایط، در شرایط خفقان و سرکوب شدید و با بالاترین فداکاری ها، حزب شما و اعضای آن هیچگاه، اصول مارکسیسم - لنینیسم و همبستگی پرولتری را از یاد نبرده اند و همواره آن را با شرایط مشخص کشورتان تطبیق داده اند. علی رغم عقب کردهای سال های اخیر، نیروهای انقلابی، ضد امپریالیستی و کمونیستی دوباره خود را سازماندهی کرده اند و به پیروزی های جدیدی دست می یابند. حتی در محافل امپریالیستی، ارزیابی های مبالغه آمیزی جای خود را به یک ارزیابی عمیق تر با توجه به ابعاد بحران امپریالیسم می دهد. بی ثباتی در کنار رقابت هرچه شدید تر بلوک ها، شرایط مناسب را برای به جلو بردن مبارزه نیروهای دموکراتیک و چپ فراهم آورده است.

این شرایط، از سوی دیگر، امکان درگیری های جنگ های منطقه ای، حتی جنگ های جهانی را افزایش داده است و زمینه مساعدی برای رشد عقاید ارتجاعی مانند نژاد پرستی و فاشیسم می باشد. در مبارزه ای که پیش رو دارید، حمایت و همبستگی ما با شماست. یکبار دیگر گرم ترین تبریکات صمیمانه ما را به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد حزبتان بپذیرید. برای شما موفقیت آرزو مندیم.

میکل فیکوره

سخنگوی هئیت اجرایی کمیته مرکزی

حزب کمونیست کانادا



NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany

NO : 415
23 November 1993

نامه
مردم